

یادداشت

نسیان فناوری

۶- یکی از دلایل ورشکستگی کارخانجات نساجی در ایران به‌کارنگرفتن ماشین‌هایی با فناوری‌های نوین است و این امر موجب عقب‌ماندگی تولیدات نساجی از لحاظ کیفیت از دیگر کشورها می‌شود و درعین‌حال باعث افزایش هزینه کارگری و برق و آب و… می‌شود، بنابراین تغییرات تکنولوژی در فرایند تولیدات از اهم امور است.

۷- به طور کلی در ترابری کشور با کامیون‌های فرسوده و لوکوموتیوهای از کار افتاده ثروت فاحشی از دست می‌رود و مستقیماً باعث نزول اقتصاد کشور می‌شود. البته گاهی جرقه‌های بی‌معنی و بی‌منطق به دلایل مختلف برای ورود تکنولوژی جدید دیده می‌شود، مثل احداث خطوط قطار سریع‌السیر تهران-اصفهان و تهران- مشهد که می‌توان خطوط فعلی را با برقی‌کردن به نحو مطلوب بهره‌برداری و از ایجاد هزینه‌های گزاف جلوگیری کرد.

به هر حال اقتصاد کشور و ارتقای تولید ناخالص ملی بدون دستیابی به تکنولوژی جدید ممکن نیست و این همان است که برندگان نوبل اقتصاد در نتیجه پژوهش‌ها نشان داده‌اند.

در پیچ و خم جدال برای بازآفرینی شهری

حدود هفت میلیون نفر جمعیت ایران در همین بافت‌هایی که ما سکونتگاه غیررسمی می‌نامیم زندگی می‌کنند. من (کلیاگانی) این مکان‌ها را «ناشهر» نام گذاشته‌ام و تأیید می‌کنم که اتفاقاً انسجام اجتماعی خوبی دارند و از منظر پیوندها و اتحاد و همبستگی بین افراد مثبت‌اند و از شهرها بهتر هستند. اما از نظر سکونت و فضاهای خدماتی، کار و اشتغال وامکان رفت و آمد با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند.

۳- حوزه دیگر کار ما که ۱۱ میلیون نفر در آنها سکونت دارند، «بافت‌های فرسوده» هستند که از چرخه نوسازی خارج شده‌اند. ساختمان‌هایشان عمدتاً ناپایدارند. سرانه‌های خدماتی در آنها کم است و استاندارد نیست. دسترسی‌هایشان با مشکل مواجه است. بعضی از این بافت‌ها فاضلاب انسانی و آب باران و سیستان با هم قاطی شده و به کوچه سرازیر می‌شود. در شهر تروتمند مسجدسلیمان همه‌جا بوی فاضلاب می‌آید. علاوه بر بوی گازی که از چاه‌های نفتی بالا می‌زند. البته حاشیه‌نشینی در ایران در واقع بسیار کمتر از متوسط درصد حاشیه‌نشینی در جهان است. خیلی کشورها هستند که وضعیشان از ما خیلی بدتر است؛ اما مثلاً در شهر مشهد یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر حاشیه‌نشین داریم که البته همه‌شان خانه‌های دوو سه طبقه ساخته‌اند و وضع سرانه‌های خدماتی‌شان هم خیلی بد نیست.

۴- جدیداً، حوزه «پهنه‌های در معرض خطر» هم به این سه دسته (موارد کاری ما) اضافه شده است. ما بعد از سیل‌های ۹۸ دیدیم برخی محدوده‌های نوساز، مثلاً در بلدختر، روی گسل هستند، یا در اهواز جاهایی روی پهنه راشی منبع آب اهواز، برخی زیر کابل‌های فشارقوی خانه ساخته‌اند… اینها پهنه‌های در معرض خطری هستند که نزدیک ۲۰۰ هزار نفر از مردم ایران در آنها زندگی می‌کنند. ما مجبوریم در کار بازآفرینی به جابه‌جایی این سکونتگاه‌ها هم فکر کنیم. اما امروزه رویکرد اصلی در دنیا برای بازآفرینی مبتنی بر «توانمندسازی» است. یعنی دولت دیگر نمی‌رود برای این جوامعات رأساً خانه بسازد و مداخله کند. ما در کمر بند تهران تا سال ۵۹ پدیده زاغه‌نشینی را داشتیم. کودهای تهران هم از قدیم بودند. گود آذری هنوز در منطقه ۱۶ تهران هست. اما بقیه کودهای تهران همه تخریب و به پارک تبدیل شد و در عوض ساختمان‌های چهارطبقه‌ای در انتهای شوش و منطقه ۱۵ و منطقه ۲۰ ساخته شد. البته هنوز در دره اسلام‌آباد (در امتداد پارک‌وی)، اوقاف، یا در منطقه ۴ در خاک سفید و… حاشیه‌نشینی‌هایی هستند که در محدوده شهر تهران‌اند. ما گفتیم اگر اینها را به‌لحاظ اجتماعی و اقتصادی توانمند کنیم، خودشان بهتر بلدند جای خود را بازسازی و مقارم‌سازی کنند. پس رویکرد کلی باید در جهت توانمندسازی باشد. مهندس کلیاگانی سپس درباره موضوع جلسه نیز گفت: حتماً هوشمندسازی نیز با توانمندسازی منطبق است. استفاده از ابزار هوشمند دیگر متعلق به آینده رفرفه و پولدار نیست. در یکی از محلات شهر تهران یک گروه واتس‌اپی با استفاده از گوشی هوشمند برای ساماندهی پارکینگ‌های محله تشکیل شده بود. آنها پارکینگ‌های محل را خودش‌ان اداره می‌کردند. هوشمندسازی می‌تواند به‌راحتی در اختیار کارهای مهم شهر قرار بگیرد. الان بافت‌های تاریخی می‌توانند با استفاده از گوشی‌های هوشمند مقصد مسافران و گردشگران قرار بگیرند. امروزه صنایع دستی بلوچ دارد با تبلیغ اینترنتی در تهران فروخته می‌شود. بازار هم از این جریان‌ات استفاده می‌کند. الان سفرهای شهری هم همه با استفاده از گوشی تنظیم می‌شوند. در پایان، کلیاگانی دانشجویان را تشویق کرد که از کارهای کوچک شروع کنند، کارهای کوچک با فکر و مطالعه. گفت: زانی‌ها وقتی آمدند ایران، دیدند ایرانی‌ها «عاشق ته‌دیک» هستند، رفتند بلوچز برقی را درست کردند! شما هم کارتان را با درک و شناخت واقعی از محلات شروع کنید.

«به ریست بگومن بانک را خریدم!»

پیامد چنین وضعیتی عیان است: این وضعیت، ساختار مالی کشور را چنان آسیب‌پذیر کرده که هر شایعه یا خبر دهفمند می‌تواند یک بحران نقدینگی واقعی خلق کند. با این حال، یک وظیفه تحلیلی و سیاسی بر دوش ماست: «تفکیک مطلق میان سرمایه‌داری مولد و نامولده؛» بدین معنا که جدال افکار عمومی و سیاست‌گذار نباید با سرمایه‌دار مولد، بلکه باید با سوداگری و احتکار باشد.

تک‌تک ما موظفیم از کارآفرینانی که منابع خود را نه به سوی بازارهای کاذب، بلکه به سوی صنایع مادر، معادن بزرگ و تولیدات با ارزش افزوده بالا در نقاط محروم کشور می‌برند، دفاع کنیم؛ مانند سرمایه‌گذارانی که در سخت‌ترین سال‌های تحریم و در دوران فعالیت دولت‌های پیشین، با وجود تمامی موانع بوروکراتیک و غلبه منطق رانتی، هزاران شغل در استان‌هایی نظیر کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان ایجاد کردند.

ایسن عمل، یعنی «انتقال ثروت و فرصت از مرکز به پیرامون»، یک نوع سرمایه‌گذاری توسع‌مح‌گراست، حتی اگر مسیر اینان نیز از تعامل با بوروکراسی رانتی بی‌نصیب نبوده باشد، خروجی نهایی فعالیت آنان، به‌جای سوداگری در بازار ارز و ملک، تولید، تکمیل زنجیره ارزش داخلی و آبادانی منطقه‌ای بوده است.

این سرمایه‌گذاران، تیروهایی محرکه توسعه کشورند و باید از «سوداگران» منفعت‌طلبی که ثرویشان تنها از دوردزن تحریم یا ملک‌داری حاصل می‌شود، «متمایز» دیده و فهمیده شوند. در نهایت، داستان هژز برزانی، نه یک استثنا که تمثیلی از چرخه‌ای است که هنوز از آن رها نشده‌ایم؛ چرخه‌ای که در آن، نزدیکی به قدرت، اغلب جایگزین کارآفرینی و شایستگی می‌شود. از دل همین منطق قبیله‌ای، اقتصاد ایران بارها شکل گرفته و دوباره فروپاشیده است؛ بی آنکه از درون اصلاح شود. اما تجربه نیم‌قرن گذشته – از بحران‌های بانکی دهه ۹۰ تا ظهور صنایع نوپا در تحریم‌ها – نشان داده است که هیچ نظام اقتصادی تا ابد بر پایه رانت، تبعیض و پنهان‌کاری دوام نمی‌آورد. هر بار که شبکه‌های نفوذ بر قانون و شفافیت پیشی گرفته‌اند، فروپاشی اعتماد عمومی نیز در پی آمده است. در مقابل، هرگاه سرمایه‌داری مولد مجال بروز یافته – از کارخانه‌های دهه ۴۰ تا معادن کرمان امروز – نشانه‌هایی از بازسازی اعتماد و امید پدید آمده است. گذار از سرمایه‌داری قبیله‌ای به سرمایه‌داری ملی، نه پروژه‌ای حکومتی، بلکه فرایندی تاریخی است؛ مسیری که تنها با تقویت قانون، شفافیت و شایسته‌سالاری تداوم می‌یابد. شاید پرسش اصلی دیگر این نباشد که «چه کسی بانک را خریده؟»، بلکه این باشد که چه زمانی بانکداری ما، قانون و اعتماد عمومی را بازخواهد خرید.

www.sharghdaily.com

آیا حزب دموکرات در حال احیای خود است؟

مسیر دشوار ممدانی



یک قدم جسورانه

نیویورک دهه‌ها بود که با وعده‌های جسورانه و بلندپروازانه از سوی کاندیدهای شهرداری، خداحافظی کرده بود. زهران ممدانی ۳۴ساله اما خاطرات روزهای اوج را به یاد نیویورکی‌ها آورد. وعده سبک زندگی مقرون‌به‌صرفه در گران‌ترین شهر جهان صدها هزار نفر را جذب زهران ممدانی کرد و در نهایت اعتماد آنها باعث شد تا کاندیدای مسلمان هندی‌الاصل با ظاهری تماماً شرقی، شهردار نیویورک شود.

نیویورکی‌ها با سابقه زندگی در نیویورکی که اریک آدامز بدنام شهردار آن بود، آینده خود و شهر را تاریک توصیف می‌کردند. در چنین وضعیتی زهران ممدانی، با حضور پرشور، صدایی رسا و سخنرانی‌هایی که یادآور روزهای اوج باراک اوباماست، قلب‌ها را به سمت خود کشید.

در مقابل این امیدها، برخی از ناظران آمریکایی، انتخاب ممدانی را ورود به دورانی پُر از تاریکی خوانده بودند. یکی از آنها در ژورنالی آمریکایی با اشاره به دنیایی خیالی که در آن سوسیالیسم بر نیویورک حاکم است، نوشته منطق اقتصادی سوسیالیسم به سمت دیکتاتوری طبقه جدید تمایل دارد. ایدئال‌های قدیمی دگرگونی‌های عجیبی خواهند داشت. آزادی دیگر به معنای نبود اجبار نخواهد بود.

آیا ایده‌های ممدانی در حوزه اقتصاد و مسکن و سیستم حمل‌ونقل دشنی است؟ احتمالاً ایده‌هایی او به طور کامل عملی نخواهند شد. موانع قانونی و سیاسی بیش از حد زیادی وجود دارد. حقوق مالکیت همچنان برای آمریکایی‌ها مقدس است و منافع مالکان آن‌قدر جدی گرفته می‌شود که تغییر آن آسان نیست. خود زهران

ممدانی هم ممکن است کاستی‌هایی داشته باشد. هر رهبر منتخبی ممکن است به فردی ناکارآمد تبدیل شود که نتواند تعهد ایدئولوژیک را به عمل تبدیل کند. آمریکایی‌ها معتقدند اداره نیویورک، پس از اداره کل ایالات متحده که از سوی رئیس‌جمهور انجام می‌شود، سخت‌ترین کار سیاسی در این کشور است. اغلب شهردارهای پیشین، در اداره آن با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده‌اند. ممدانی هرچند در توصیف وعده‌هایش به‌روشنی اعلام کرد که چه برنامه‌ای برای تأمین مالی پروژه‌هایش دارد، اما دست‌تنها قادر به پیشبرد ایده‌هایش نخواهد بود. ایده‌هایی چون افزایش نرخ مالیات شرکتی در نیویورک و افزایش مالیات ثروتمندان، مواردی هستند که نیاز به همکاری با مجلس ایالتی نیویورک دارند. معضل بعدی برای ممدانی کتسی هوچول، فرماندار نیویورک است که با افزایش مالیات موافق نیست و دل خوشی هم از شهردار سوسیال‌دموکرات ندارد.

امید به حزب دموکرات بازگشته است؟

دموکرات‌ها در مورد زهران ممدانی به‌شدت عجیب عمل کرده‌اند. هرچند باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین به ممدانی تلفن زد و حمایتش را از اول اعلام و سپس پشت او ایستاد، اما گروه‌های دیگری از دموکرات‌ها به زهران و ایده‌هایش به دیده تردید نگاه می‌کنند. این مشابه همان نگاه و نظری است که آنها سال‌ها نسبت به برنی سندرز، سیاستمدار سوسیالیست و حامی ممدانی داشتند.

اما به نظر می‌رسد بارقه‌هایی از امید در میان دموکرات‌ها دیده می‌شود. آنها که پس از انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده و شکست کاملاً هریس سعی در خودانتقادی و بازاندیشی خود داشتند، حالا در نیویورک نماینده دارند.



با هم تفاوت دارند؛ این را در لباس پوشیدن، داشتن نظم و قانون‌پذیری و تحصیل دخترانی که از ایران وارد افغانستان می‌شوند، می‌توان دید. به نظر می‌رسد در مورد حکومت طالبان و بازسازی افغانستان، بخشی از آنچه ایران می‌تواند انتخاب کند، مسیری است که تمدن و فرهنگ مردم فلات ایران که افغانستان نیز خود جزّ آن بوده، در برابر تهاجمات و حملات دشمنان ایران مثل اسکندر و حمله اعراب و چنگیز و تیمور در گذشته طی کرده است. باشد، راهی که در روزهای تارک و سخت باعث زنده‌ماندن فرهنگ و تمدن منطقه فلات ایران شده است. این مسیر شامل مواردی مانند دوست‌داشتن فرهنگ و ارزش‌های تمدنی و مردم خود و از دست ندادن امید و رشد در شرایط سخت بوده است. هرچند شرایط اقتصادی ایران در حال حاضر به دلیل تحریم‌ها و حملات اسرائیل و آمریکا خوب نیست، بااین‌حال به نظر یکی از مهم‌ترین راه‌ها در کمک به ساختن افغانستان، این است که بتوان دختران و پسران افغانستانی را که علاقه به تحصیل و کار در ایران دارند، در این مسیر برد که اول به این فکر کنند که باید به افغانستان برگردند و کشورشان را بسازند؛ درجه تعداد این افراد کم خواهد بود، ولی مطمئناً آنها که برمی‌گردند همه تلاش‌شان را برای ساختن افغانستان خواهند کرد و برای دین یا قوم نخواهند جنگید، بلکه یاد می‌گیرند برای اعتلای کشورشان و فرهنگ تمدن‌شان تلاش کنند. گرچه زنان افغانستان در این راه پیشگام هستند.

آگهی مزایده

شرکت فروزان جاوید مشکین (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۶۵۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۲۵۸۳۵ در نظر دارد دو دستگاه موتور ژنراتور متعلق به شرکت را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند.مشخصات مورد مزایده: ۱۰. مولد MWM مدل –TCG۲۰۲۰-۷۲ سال ساخت ۲۰۱۷. ۲. مولد MWM مدل –TCG۲۰۳۲-۷۱۶ سال ساخت ۲۰۱۸. قیمت پایه هر دستگاه بر اساس گزارش کارشناسی رسمی تعیین گردیده و در شرایطنامه مزایده درج شده است. * مهلت دریافت اسناد و بازدید از دستگاه‌ها: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ * محل بازدید:اردبیل،مشکین شهر،میدان بسیج،سه راهی نصیرآباد،جنب پست ۶۳ کیلومتر ولت نیروگاه ۲۰ مگاواتی فرجام * مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ده درصد قیمت پیشنهادی هر یک از دو مولد که طی چک بانکی تضمین شده در وجه شرکت فروزان جاوید مشکین از سوی پیشنهاد دهندگان ارائه می گردد. * مهلت تسلیم پیشنهادها: تا ساعت ۱۴:۰۰ روز ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ * زمان و محل برگزاری و بازگشایی مزایده: روز ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ در محل دفتر مرکزی شرکت به نشانی تهران، بلوار میرداماد، خیابان شاه نظری، خیابان دوم، پلاک ۳۹، واحد ۶ متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد و اطلاعات بیشتر در ساعات اداری به نشانی فوق مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۲۱۲۲۶۹۸۰۸- تماس حاصل نمایند.شرکت در رد قبول هر یک از پیشنهادها مختار است. شرکت در مزایده به منزله قبول کلیه شرایط مندرج در اسناد مزایده می باشد.

مدیر عامل شرکت

گزارش

پنج پیروزی دموکرات‌ها

شرق: دموکرات‌ها در پنج رای‌گیری مهم سه‌شنبه پیروزی‌هایی به دست آوردند که پیام روشنش حمله به دونالد ترامپ و وعده‌های مقابله با گرانی بود.

نتیجه فقط پیروزی در ویرجینیا، نیوجرسی، پنسیلوانیا، کالیفرنیا و نیویورک نبود؛ حاشیه‌های دورقمی در ویرجینیا و نیوجرسی و آبی‌شدن شهرستان‌های متعدد بود که توجه‌ها را جلب کرد. هاکیم جفریز، رهبر اقلیت دموکرات مجلس نمایندگان، گفت «حزب دموکرات برگشته است». زهران ممدانی، سوسیالیست دموکرات ۳۴ساله که به شهرداری نیویورک رسید، این رای را «مجوز یک سیاست تازه و ایجاد شهری تحمل‌پذیر» خواند.

با این حال این نتایج، جنگ داخلی دموکرات‌ها بر سر مسیر آینده حزب پس از شکست‌های ۲۰۲۴ را خاتمه نداد. هر دو اردوی افراطی و میانه‌رو سهمی از پیروزی داشتند و هرکدام آن را سند حقانیت جریان خود برای انتخابات‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۸ می‌دانند. در نیویورک و کالیفرنیا، چپ‌های افراطی با بسیج بدنه، ممدانی را بالا آوردند و همچنین نقشه کنگره کالیفرنیا را به نفع تلاش برای برگرداندن پنج کرسی مجلس نمایندگان تغییر دادند.

در ویرجینیا، نیوجرسی و پنسیلوانیا، میانه‌روها پیروزی‌های روشن ثبت کردند: ابیکیل اسپنبرگر در ویرجینیا و میکی شریل در نیوجرسی با تأکید بر سابقه همکاری با نیروهای انتظامی و وعده کاهش هزینه‌ها، در رقابت فرمانداری با اختلاف دورقمی پیروز شدند. در رقابت دادستانی کل ویرجینیا، جی جونز دموکرات با ۹۵ درصد شماره آرا شش درصد جلوتر از جیسن میارس جمهوری‌خواه بود. در پنسیلوانیا، دموکرات‌ها سه کرسی دیوان عالی ایالتی را با پیام ضد ترامپ و حامی حقوق سقط جنین بردند.

هر دو جناح بر «قابلیت پرداخت» تمرکز داشتند اما نسخه‌ها متفاوت بود: ممدانی از فریز اجاره‌ها، اتوبوس رایگان و فروشگاه‌های خواروبار دولتی گفت؛ اسپنبرگر و شریل سیاست‌های ترامپ مثل تعرفه‌ها، اخراج‌های فدرال و «لایحه بد بودجه» او را مقصر گرانی دانستند و قول کاهش هزینه‌ها را دادند؛ شریل در آگهی پایانی تأکید کرد «هیچ‌گونه افزایش مالیات فروش، مطلقاً».

اما بحث راهبردی همچنان ادامه دارد. چپ‌ها می‌گویند حزب دموکرات برای خروج از بی‌اعتباری به بیرون‌سیستمی‌های حیوان و بی‌تعارف نیاز دارد؛ میانه‌روها معتقدند شعارهایی مثل «کاهش بودجه پلیس» حزب را بدنام کرد و باید وضعیت را با نامزدهای عمل‌گرا و میانه بازسازی کرد. باراک اوباما در نیوجرسی و ویرجینیا حضور داشت اما نه در نیویورک.

او به گزارش نیویورکتایمز با ممدانی تماس گرفت و قول مشورت داد، هرچند تیشش گفت در انتخابات شهری دخالت نمی‌کند. ترامپ در تروث‌سوشال ضعف جمهوری‌خواهان را به تعطیلی دولت و غیبت نام خودش روی برگه‌ها نسبت داد و دوباره خواستار شکستن فیلیباستر در سنا شد تا بدون دموکرات‌ها بودجه را تصویب کنند.

آگهی دعوت از شرکا شرکت زمان لجستیک با

مسئولیت محدود به شماره ثبت ۴۲۲۵۲۵ شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۵۲۸۴۸ جهت تشکیل مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده

بدینوسیله از کلیه شرکا شرکت دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده ساعت ۰۹:۰۰ به تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶ و به آدرس: تهران – خیابان شهید بهشتی- خیابان سرافراز- نرسیده به خیابان مطهری- نبش کوچه یکم- برج موج- طبقه ششم- واحد ۲۸ کدپستی ۱۵۸۷۴۵۳۱۵۶ تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده: انتخاب

اعضای هیات مدیره.

مدیر عامل شرکت